



چرا اعتقاد به ولادت امام زمان اهمیت دارد؟

مناسبت‌های غدیر، فاطمیه، عاشورا و ولادت امام زمان، مناسبت‌هایی اعتقادی است که نقش تداوم بخشی به اسلام را دارند و مخالفین بیشترین مشکل را با این مناسبت‌ها دارند.

مناسبت‌های غدیر، فاطمیه، عاشورا و ولادت امام زمان، مناسبت‌هایی اعتقادی است که نقش تداوم بخشی به اسلام را دارند و مخالفین بیشترین مشکل را با این مناسبت‌ها دارند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه پانزدهم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

من برخی از اسناد که به سن و تاریخ ولادت حضرت ولی عصر اشاره کرده بیان می‌کنم. سپس توضیح خواهم داد که این موضوع چرا اینقدر برای ما اهمیت دارد؟

در کتاب‌های کافی کلینی، الغیبه شیخ طوسی، کمال الدین مرحوم صدوق، ارشاد شیخ مفید، دروس شهید اول، بحارالانوار علامه مجلسی، همه این بزرگان و قول اکثر بر این نکته تاکید داشته‌اند که ولادت امام زمان در نیمه شعبان سال ۲۵۵ رخ داده است.

اما چرا ما بر این نکته تاکید داشته‌ایم؟ مقدمه این بحث این است که مناسبت‌هایی که برای یک جامعه وجود دارد برخی ملی و برخی مذهبی است. در مناسبت‌های خاص که مختص شیعه است همه آنها یک روال ندارد، بخشی از این مناسبت‌ها جنبه اعتقادی دارند و یک بخش هم جنبه ولایی دارند یعنی بر مبنای موالات و مودت است. مناسبت‌های اعتقادی غدیر و فاطمیه و شهادت سیدالشهدا و ولادت امام زمان است. اینها اعتقادی است و مخالفین بیشترین مشکل را با این چهار مناسبت دارند. چون این چهار مناسبت نقش تداوم اسلام را دارند.

اینها ریشه اعتقادی دارند و بحث تاریخی نیست. لذا اگر کسی عمرش و مالش را در این مسئله بگذارد اسراف نکرده است. مبدا کسی بگوید این پول‌هایی که برای جشن ولادت امام زمان خرج می‌شود به جای دیگری هزینه کنید. بحث ما صرفاً تاریخی نیست بلکه اعتقادی است. پای بحث اعتقادی اگر جان هم بدیم شاید کافی نباشد.

تمام کمک‌هایی که برای جهات دیگر جمع می‌شود از دل همین جلسات بیرون می‌آید.

فاطمیه به ما یاد می‌دهد که برای دفاع از ولایت و دفاع از امیرالمومنین باید جان داد. وقتی امیرالمومنین برای صدقه طاهره بیت الاحزان می‌سازند یعنی یکی از راه‌های مبارزه گریه کردن و برقراری مناسبت هاست. یکی از راه‌های مبارزه حضرت زهرا با مخالفین فدک است و یکی هم شهادت آن حضرت است.

چرا عاشورای امام حسین اینقدر مهم است؟ چون استمرار اسلام به واسطه عاشورا است و اگر شهادت سیدالشهدا نبود اسلام از بین رفته بود.

یکی از چیزهایی که امید در دل مردم ایجاد می‌کند، همین جشن‌های ولادت امام عصر است.

ولادت امام زمان جنبه اعتقادی دارد ولی جشن‌ها و دیگر عزاداری‌ها جنبه موالات و مودت دارد.

کسانی که اصرار دارند ولادت امام زمان اتفاق نیفتاده به مسئله‌ای می‌خواهند اشاره کردند و آن به نوع نگرش ما به مسئله امامت باز می‌گردد.

آنها بحث امامت را بحثی عرفی و انسانی و زمینی می‌دانند. می‌گویند ما هستیم که امام را مشخص می‌کنیم. بنابراین امروز هارون الرشید را انتخاب می‌کنند و فردا با مامون بیعت می‌کنند.

از نظر شیعه امامت منصب الهی است و تداوم و استمرار نبوت است. انکار ولادت امام زمان (عج) تداوم رهبری بعد از

پیامبر را زیر سوال می برد. یعنی مقوله الهی که از مقطع صدر اسلام ابلاغ شده از بین می رود و کل دین از بین خواهد رفت.

به حسب آنچه که در قرآن است، تداوم رهبری یکی از ویژگی های جانشینان رسول گرامی است. من دو آیه می خوانم.

آیه ۵۱ سوره قصص می فرماید: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ یعنی وما پیوسته برای آنان سخن گفتیم (و آیات قرآن را برایشان نازل کردیم) شاید که پندگیرند و متذکر شوند. از این آیه تداوم رهبری استفاده می شود.

آیه ۷ سوره رعد می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ یعنی همانا تو بیم دهنده ای هستی و هر قومی را راهنمایی است. این تداوم رهبر است و مسلم است که شخص هادی با شخص منذر متفاوت است و منصب هدایت و منصب رسالت متفاوت است و بعد از آن است.

بنابراین هم قرآن کریم به صراحت تداوم را بیان می کند و هم در روایات بحث تداوم رهبری را داریم.

در این مورد روایات را به پنج عنوان تقسیم کرده اند. ذیل هر عنوان کثیری از روایات را مطرح کرده اند که این باعث می شود دیگران نتوانند ادعا کنند که این اتفاق نیفتاده است.

پرداختن تئوری و عملی ما به ولادت امام زمان یعنی اثبات تداوم رهبری در ائمه اطهار. تداوم رهبری یعنی استمرار رسالت و استمرار به استقرار رسالت کمک می کند. اگر ما این مسئله را نادیده بگیریم کل رسالت از بین می رود.

در بین روایات ۵ عنوان پیدا می کنیم که در ذیل آن روایات متعددی وجود دارد.

عنوان اول این است که می فرماید: «زمین از پیشوایان الهی خالی نمی ماند»؛ در بعضی از روایات فقط همین جمله را می گوید و در بعضی روایات زمان آن را مشخص می کند. چهل حدیث ذیل این باب وجود دارد که من چند حدیث را نقل می کنم.

در کتاب کمال الدین صدوق نقل شده که فردی به امام باقر(ع) عرض کرد که «مَا مَعْتَى إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ الْمُنْذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي وَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ زَمَانٍ إِمَامٌ مِنَّا يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛

یعنی به امام باقر علیه السلام گفتم: معنای این آیه چیست؟ «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ فرمود: منذر، رسول خدا و هادی علی است و در هر وقت و زمانی امامی از ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا آورده است هدایت کند.

در کتاب کافی از نصیل نقل شده که «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ»؛

یعنی فضیل گوید: از امام صادق(علیه السلام) پرسیدم از قول خدای عز و جل(۷ سوره رعد): برای هر قومی رهبری است؟ فرمود: هر امامی رهبر دورانی است که در میان مردم آن است.

حدیث سوم از کتاب کافی است که از امام باقر نقل می کند «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ: «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُنْذِرُ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْهَادِي أَمَّا وَ اللَّهُ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَ مَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ»؛

یعنی از حضرت باقر علیه السلام پیرامون آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ ای پیامبر، همانا تو بیم دهنده و ترساننده هستی، و برای هر قومی راهنمایی است؟، سؤال شد (و تفسیر آن را جویا شدند)؟ امام فرمودند: بیم دهنده رسول خدا صلی الله علیه وآله است و علی علیه السلام هدایت کننده است. آگاه باشید به خدا سوگند که این مقام هدایتگری در میان ما اهل بیت از بین نمی رود و همچنان تا روز قیامت در میان ما خواهد بود.

ما در بحث های غیبت چند عنوان مهم وجود دارد که فوائد امام غائب چیست و اصلاً غیبت به چه معنی است؟ شرایط تشریف به خدمت امام زمان در زمان غیبت چیست؟ و اصلاً این امر امکان دارد؟ ما برای این موضوع ۵ معنا داریم که چهار معنا را به کلی رد می کنیم و یک معنا را اثبات می کنیم.

اینها چیزهایی است که ما باید بدانیم. برخی اعتقادات ما را قوی می کند و برخی جلوی خرافات را می گیرد. دشمن برای اینکه بتواند ریشه را بزند دسیسه می کند و یک موهوماتی را وارد دین می کند. بخاطر آن عطشی که مردم دارند، اقدامات آنها مثمر ثمر است.

مردم معنویت را به طور فطری دوست دارند، اگر متولیان فرهنگی شیعه معارف و معنویت را در اختیار مردم نگذارند خب کابالا این کار را می کند. مردم هم چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند.